

## تحلیلی از عرصه‌های شهری در شیوه‌آذری نمونه موردی: شهر آرمانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله - ربع رشیدی

دکتر فرح حبیب\*

دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۱۱)

### چکیده:

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی دانشمند و سیاستمدار برجسته ایرانی قرن هفتم هجری در شمال شهر تبریز، شهرکی با جنبه علمی و آموزشی به نام ربع رشیدی بنیان گذاشت. هدف وی از تأسیس ربع رشیدی ایجاد مکانی بود که در آن جمعی از علما و دانشمندان را مستقر کند. وی شهری آرمانی را طرح و در عمل اجرا کرد. شهر آرمانی طی تاریخ به اشکال گوناگون مطرح بوده و به گونه‌ای تبلور ارزش‌ها و آرمان‌های هر نسل در تحقیق جامعه‌مطلوبشان بوده است. هر چند از کالبد ربع رشیدی چیزی به جا نمانده است، اما جزئیات و تأسیسات ربع رشیدی در وقفنامه آن بسیار دقیق بیان شده تا جایی که امروزه می‌توان از روی همان توضیحات نقشه آن مکان را پیاده کرد. از آنجا که بسیاری از آرمان‌های وی در این شهرک متجلی گردیده است، لذا به عنوان مصداقی از شیوه آذری و با روش تحلیل محتوای متن با استفاده از وقفنامه مذکور تلاش گردید تا فضاهای شهری آن به تصویر و تحلیل در آید. بطور خلاصه این مجتمع را می‌توان به سه قسمت اساسی تقسیم کرد: ربع رشیدی، شهرستان رشیدی، ربض رشیدی. در این مقاله به بررسی عرصه‌های شهری این شهرک به عنوان شهری آرمانی از دیدگاه خواجه رشیدالدین پرداخته شده است.

### واژه‌های کلیدی:

شهر آرمانی، ربع رشیدی، وقف‌نامه، شیوه‌آذری، عرصه‌های شهری.

مقدمه

مقصد زنده دلان خواب پریشانی نیست  
از همین خاک جهان دگری ساختن است  
اقبال لاهوری

آن (مینوی، ۱۳۵۰)، صراحتاً در رابطه با ساختار کالبدی شهر و اجزاء و عناصر سازنده آن به تفصیل پرداخته است. تا حدی به جزئیات توجه شده که مثلاً بحث نور و نورپردازی که امروزه از مباحث مطرح و مهم شهرسازی است در عرصه های عمومی و معابر شهری و فضاها به دقت بررسی و عنوان شده است. در این مقاله تلاشی صورت گرفته تا با نگاهی به تفکرات آرمانشهری اجزاء و عناصر کالبدی سازنده فضاهای شهری تحلیل و تفسیر گردد. در این رابطه خلاصه ای از پیشینه تاریخی شهر تبریز، مروری اجمالی بر آنچه تحت عنوان شیوه آذری در شهرسازی عنوان شده و سوابقی از بنیان گذار شهرک ارائه گردیده و سپس با تفسیر و تحلیل متون ویژگی های کارکردی، کالبدی و سازمان فضایی اجزاء و عناصر اصلی سازنده فضاهای شهری آن تبیین گردیده است.

شهر آرمانی، طرح یک جامعه ایده آل و آرمانی است. هرچند که به افسانه شباهت دارد اما افسانه نیست؛ مفهومی است برای جامعه انسانی در طرح یک زندگی جمعی و انسانی در مکانی که آرزوها و آرمانها در آن برآورده می شود. برابری، عدالت، وفور نعمت، راحتی و آسایش، نبودن ظلم و بهره کشی و خوشبختی و تعقل بر رفتار انسان ها در آن جامعه حاکم است. شهر آرمانی گاه به شکل داستان، گاه به عنوان یک رساله و زمانی در هیئت ایدئولوژی ظهور می یابد. و به عبارتی بیان ارزش ها، آرمانها و ایده های بلند و زیبایی آدمیان است.

در این مقاله؛ گونه ای شهر آرمانی مطرح است که در عمل به منصفه ظهور پیوسته و از آن به عنوان نمونه ای از شیوه آذری در ایران (حبیبی، ۱۳۷۵، ۸۲) یاد می گردد. علیرغم آنکه از این شهرک آثار و شواهد کالبدی باقی نمانده اما خوشبختانه وقفنامه

آرمانشهر ایرانی

توسط نگارنده (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۰۹) در رابطه با تفکرات آرمانشهری صورت گرفت عنوان گردید؛ شهرهای آرمانی در طیفی از کاملاً کالبدی تا کاملاً غیرکالبدی به شرح نمودار ۱ قابل دسته بندی و تفکیک اند.

«کاملاً غیر کالبدی □□□□□□□□□□□□□□□□ کاملاً کالبدی»



با نگاهی به تاریخ اندیشه های ایرانیان ملاحظه می کنیم ایرانیان همواره در تفکر و اندیشه ساخت جامعه ای نوین، آزاد و آباد بوده اند. این امر در تفکرات و اندیشه های صاحب نظران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ادیبان، شاعران، حکیمان، فیلسوفان و سردمداران دین و مذهب به خوبی قابل پی گیری است. در اندیشه های ایرانیان ناقد وضع موجود و امیدوار به آینده، ساختن ناکجا آباد همواره وجود داشته است. تعابیر و تفاسیر گوناگونی نیز از ناکجا آباد توسط اندیشمندان و فیلسوفان و شاعران صورت گرفته است؛ از وعده های شاعران که:

"بهشت عدن اگر خواهی؛" "یوسف گمگشته باز آید به کنعان"  
گرفته تا "گر بر فلک دست بدی چون یزدان؛ برداشتمی من این فلک را ز میان و ز نو فلکی دگر چنان ساختمی؛ کا زاده به کام دل رسیدی آسان؛ یا "بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم؛ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم".

این آرزوی همیشگی انسان هاست که در بهشت برین و خوشبختی و سعادت زندگی کنند. برابری و عدالت در جامعه حاکم باشد و آرزوها به تحقق برسد. شهر آرمانی گاه به صورت یک رساله، و گاه به شکل اعتراض و گاه به صورت طرحی برای زندگی توسط اندیشمندی ارائه شده است و گاه با توجه به شرایط و اوضاع جامعه ایده شهر آرمانی در عمل نیز محقق شده است نظیر شهر آرمانی خواجه رشید الدین فضل الله که در واقع تبلور کالبدی یک تفکر و اندیشه در زمان و مکان است. در پژوهشی که

نمودار ۱ - دسته بندی شهرهای آرمانی.  
(ماخذ: نگارنده)

اولین تصویرها و نقشه‌هایی که از شهر موجود است مربوط به دوران صفویه است. شاردن به سال ۱۶۷۳ از تبریز دیدن کرد، تصویری از سفر شاردن موجود است که در آن بناهایی نظیر شام‌غازان، قلعه جعفر، مسجد جامع و مسجد علی‌شاه و چند بنای دیگر به چشم می‌خورد. در این تصویر بارو و دروازه‌هایی دور شهر ترسیم گردیده است. نقشه‌ای نیز یک قرن بعد از زلزله به سال ۱۷۸۰ از شهر تبریز کشیده شده که محل بارو و دروازه‌های شهر را مشخص می‌سازد. در این نقشه موقعیت بازار و برخی راه‌ها و محورهای اصلی مشخص است و در آن جای دروازه‌ها و محلات وابسته به آن با حروف درشت و سایر محلات درون بارو و محلات خارج آن با حروف کوچک نشان داده شده‌اند. نقشه‌های دیگری نیز موجودند و هر یک روند گسترش و شکل‌گیری شهر تا زمان معاصر را روشن می‌سازند. اما از مجموعه‌های بزرگی چون شام‌غازانی و ربع رشیدی غیر از توصیفات مکتوب در وقفنامه‌ها و سفرنامه‌ها و کتب تاریخی چیزی باقی نمانده است.

## شیوه آذری

اندک بودن منابع و مآخذ در مورد کالبد و سیمای شهر و تحول آن در دوره ایلخانان و گورکانیان تعیین چگونگی شهرگرایی و شهرنشینی در این دوران را سخت دشوار می‌سازد (حبیبی، ۱۳۷۵، ۸۴). این دشواری با تعاریفی که جغرافی نویسان و سیاحان این دوره از شهرها می‌دهند شدتی دوچندان می‌یابد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، به نقل از حبیبی، ۱۳۷۵، ۸۴). این دوره عمدتاً دوره گذاری است از شیوه رازی به مکتب اصفهان که زمینه و بسترسازی لازم برای دوره صفویان را فراهم می‌آورد و چون عمدتاً اولین مجموعه‌ها و بناها در منطقه آذربایجان احداث گردیده به شیوه آذری معروف است که دوره حکومت غازان خان را آغاز آن دانسته‌اند.

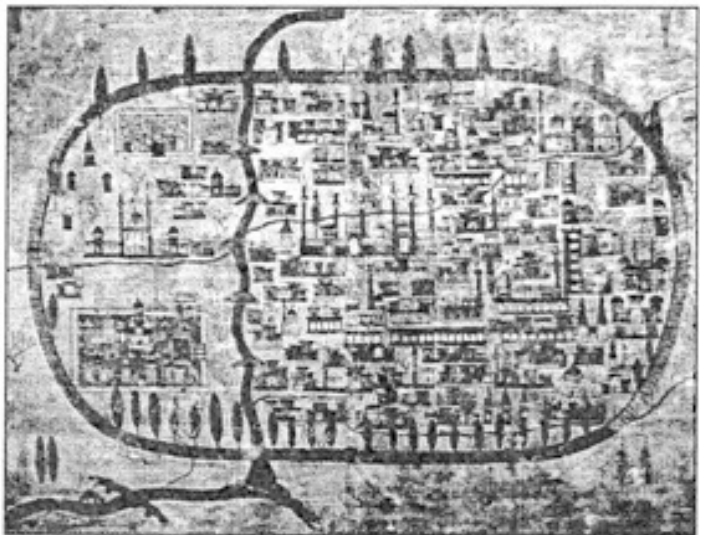
شکل‌گیری حکومت‌های "سربداران" در زمان ایلخانان مغول در خراسان و خاندان شیخ صفی در منطقه اردبیل و قره باغ در زمان حکومت قره قویونلو در آذربایجان، نشانه‌ای روشنی از نوعی اتحاد عقیدتی است که با حرکت سربداران آغاز می‌گردد و با استقرار دولت صفوی در قرن دهم هجری به بار می‌نشیند. در واقع علیرغم رکود نسبی شهرنشینی و شهرگرایی در این دوره؛ شاهد اولین فضاهای شهری بزرگ مقیاس هندسی در ایران در قالب ارسن مجموعه‌هایی چون شیخ جام، مجموعه بسطام، مجموعه شیخ صفی اردبیلی، مجموعه مرکز شهر سلطانیه و میدان حسن پادشا در تبریز هستیم که تبلور میدان نقش جهان اصفهان را می‌توان در ارتباط با ارسن مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی و پس از آن دانست در واقع روند تحولات شهرنشینی از حمله مغول تا زمان صفویه (فروتن، ۱۳۸۸، ۹۹-۹۵) را می‌توان به دوره‌های زیر تقسیم نمود:

اما نکته جالب اینجاست که بطوری که از متون تاریخی و وقفنامه مربوطه برمی‌آید ربع رشیدی هم

- ۱ - طرح جامعه مدنی ایده‌آل را در انداخته بوده و هم؛
- ۲ - پیشنهادات مشخص کالبدی داشته و هم
- ۳ - چگونگی سازمان اجتماعی، مدیریت و نهادهای مدنی مربوطه را به دقت تعیین و مشخص کرده بوده است. به عبارتی جزء معدود شهرهای آرمانی نادری است که طی تاریخ شهرسازی به منصف ظهور پیوسته است. در این مقاله سعی گردید با روش تحلیل محتوای متن و استفاده از متون موجود به باز ترسیم این شهر آرمانی پرداخته و ساختار فضایی شهر مذکور بررسی گردد. لذا در این رابطه ابتدا به صورت اجمالی نگاهی به پیشینه تاریخی شهر تبریز داریم و سپس به شرح مختصری در رابطه با خواجه رشیدالدین فضل‌الله پرداخته و نهایتاً ویژگیهای ربع رشیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## پیشینه تاریخی شهر تبریز

تبریز در راس مثلث دشت تبریز در نقطه‌ای که سلسله کوه‌های شمالی و دنباله کوهستان سهندیه به نزدیک ترین فاصله خود می‌رسند، و در کنار رودخانه آجی‌چای قرار گرفته است. راه‌های شرق و مرکز کشور که باید راهی غرب و شمال شوند به ناچار با عبور از دره‌ها و قطع ارتفاعات به این نقطه می‌رسیدند. این موقعیت ارتباطی، به اضافه موقعیت جغرافیایی که وضعیت دفاعی مناسبی را در اختیار شهر می‌گذاشت و قرار گرفتن در کنار دشتی حاصلخیز، موقعیتی خاص به تبریز بخشیده است. به این اعتبار تبریز از آغاز در حول و حوش همین نقطه فعلی برپا شده است.



تصویر ۱ - ترسیم شده توسط جهانگرد ترک (مطراچی) به سال ۱۵۳۰ م. مأخذ: (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶)

- دوره های افول شهرسازی: در همه شهرهای مورد بررسی این دوره شاهد افول شهرسازی در دوره اولیه هستیم.

- رونق مجدد شهرنشینی در شهرهای مورد بررسی: طی دوره‌هایی در شهرهای متکی بر بازرگانی بین المللی مانند شهرهای تبریز و نیشابور، شاهد رونق مجدد شهرنشینی و شهرسازی هستیم.

- ایجاد اقامتگاه‌های موقت چادری در کنار شهرهای بزرگ: اغلب در کنار شهرهای پایتخت به ویژه توسط ایلخان و ایل‌های وابسته به آنها در کنار شهر قدیم و در میان باغات و چمن‌زارهای اطراف شهر، اقامت گاه‌ها و اردوگاه‌های چادری ایجاد شد (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۲۷۵-۲۴۷؛ حبیبی، ۱۳۷۵، ۸۱).

- ایجاد شهرک‌های جدید در کنار شهر قدیم با دو هسته جدا: در مرحله بعد، برای گروه‌های وابسته به حکومت که ترکیبی از ایرانیان، ترکان و مغولان بودند، شهرک‌های جدیدی در میان باغ‌هایی که در تیول حکام و وابستگانشان بود ایجاد شد. این شهر واحد دو هسته جدا بود، یکی به مرکزیت مسجد جامع شهر یا یک ارسن مذهبی و دیگری به مرکزیت مقبره حاکم، مانند توسعه شهر تبریز طی دوران غازان خان (شکاری نیری، ۱۳۸۴ و خوانساری، ۱۳۸۳، ۸۳) و ترکمانان، ساخت شهر سلطانیه و نیشابور غازان‌خانی (عینی فر و میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۱، ۸۱ و جنیدی، ۱۳۶۶، ۳۶۹-۳۶۷)، توسعه کرمان در دوران ایلخانان (قراخانیان) (محمد مرادی، ۱۳۷۸، ۲۲۸)، سمرقند دوران تیموری (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۲۷۵-۲۲۲)، هرات دوران آل‌کرت و تیموری، (کونثو، ۱۳۸۴، ۲۸۲ و ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۵۹ و ۹۱)، شیراز دوره آل مظفر (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵ به نقل از ستوده، ۱۳۸۵، ۱۳۱) اصفهان دوره تیموری (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۶۲ و ۹۱)، یزد دوران آل مظفر و تیموری (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۹۱).

- ایجاد هسته‌ای جدید خارج از شهر و اغلب در رباط‌ها، زاویه‌ها، مقابر بزرگان تصوف و امامزادگان شیعه: این هسته در تکامل خود تبدیل به مؤسسه مذهبی با بناهای مقبره، خانقاه، رباط یا زیارتگاه، مدرسه، نمازخانه (یا مسجد) و اغلب در میان باغات و زمین‌های کشاورزی وقفی آن بود. (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ۴۷۲)، مقبره خواجه عبدالله انصاری در نزدیکی هرات، ارسن شاه نعمت‌الله ولی در ماهان و ارسن شیخ تقی‌الدین دارا در یزد (کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۳۹)، نمونه‌های چنین هسته‌هایی هستند.

- توسعه باغ‌سازی در اطراف شهر و ایجاد خیابان مشجر توسط حاکم و درباریان: باغ‌های اطراف شهر محل زندگی اشراف نظامی ایلات بود. در بعضی از شهرهای مورد بررسی، هسته مذهبی خارج از شهر توسط مسیر درختکاری به شهر مرتبط می‌شد، مانند دو مسیری که در هرات بود و از دروازه ملک در کنار ارگ شروع و تا مجموعه باغ‌های صفه‌ای که معروف‌ترین این باغ‌ها باغ مختار بود، می‌رسید و نیز مسیری که

از گازرگاه تا دروازه قبچاق و دروازه خوش ادامه داشت (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۵۹)، مسیر درختکاری از باغ دلگشا تا دروازه فیروزی در سمرقند تیموری (کونثو، ۱۳۸۴، ۲۸۰)، مسیر تنگه الله اکبر تا داخل شهر در شیراز و خیابان بین باغ شاه یزد و سر پل چهار منار (جعفری، ۱۳۴۳، ۱۰۵)، مسیر احتمالی درختکاری در کنار نهر مسیر موسوم به خیابان از باغ شمال تا ارسن جهان‌شاه در تبریز دوره ترکمانان (سلطان زاده، ۱۳۷۶) و مسیر نهری که از طوس به مشهد می‌آمد و بعدها به خیابان نادری شهرت یافت (کونثو، ۱۳۸۴، ۳۶۱).

- توسعه ارسن‌های مذهبی در خارج شهر قدیم: این توسعه با ساخت مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، دارالسیاده‌ها، مقابر و گسترش شهر به سمت این هسته‌های جدید انجام شد. به علاوه از ساخت مقابر سلطنتی در کنار این ارسن‌ها یا به طور مجزا باید نام برد. با گسترش شهر در مواردی ارسن‌های مذهبی در داخل شهر قرار گرفتند، و یا در داخل شهر ایجاد شدند و محله‌های جدید را تشکیل دادند، یا هسته اصلی شهر را توسعه دادند، مانند محله ترک آباد در کرمان (محمد مرادی، ۱۳۷۸) و ارسن حرم امام رضا در مشهد. گاهی زیارتگاه‌ها هسته اولیه تشکیل شهر می‌شدند مانند مزار شریف در افغانستان که در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا ساخته شد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۸۸). از نمونه‌های این ارسن‌ها در شهرهای مورد بررسی می‌توان از ارسن گازارگاه و گوهر شاد در هرات، ارسن غازانیه و ربع رشیدی تبریز، ارسن مقبره الجایتو در سلطانیه، ارسن مقبره گور امیر و شاه زنده و ارسن میدان ریگستان در سمرقند، ارسن‌های میر چخماق و مدرسه و خانقاه ابوالمعالی در یزد، ارسن حرم امام رضا (دوره تیموری) در مشهد، مسجد و مدرسه مظفریه و ارسن پا منار کرمان، خانقاه شیخ ابو عبدالله حقیف در زمان آل اینجو و مدرسه و خانقاه نصر آباد، بقعه شهشهان و ارسن شیخ ابومسعود، زیارتگاه‌های درب امام و درب کوشک در اصفهان و ارسن شاه چراغ شیراز در دوره آل اینجو نام برد.

- ایجاد میدان حکومتی (میدان مشق): بین دو بخش قدیم و جدید شهر یا بین شهر و مجموعه باغات، میدانی با کارکرد نظامی و حکومتی ایجاد شد. به گفته ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴، ۲۰ و ۲۱) در عصر تیموری، نمونه‌های "مجموعه شهری" بر اساس یک میدان بازیافت می‌شد. این گونه از میدان‌ها مانند میدان ریگستان، میدان فرهنگی و تجاری بودند. اگر چه از میدان‌های حکومتی در این عصر اثری، به صورت کامل نمانده است، اما از میان اسناد نوشتاری تاریخی می‌توان میدان‌هایی را بازشناسی کرد مانند شکل‌گیری باغ میدان در یزد (جعفری، ۱۳۴۳، ۱۰۵)، میدان صاحب آباد در تبریز (حناچی و نژاد ابراهیمی سردرود، ۱۳۸۵)، میدان میر چخماق یزد، میدان حسین، در کنار لشکرگاه و دار العماره و اسپریس در نیشابور غازان‌خانی (عینی فر و میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۱، ۸۳) و احتمالاً میدانی در

## خواجه رشیدالدین فضل‌الله ۷۱۸-۶۴۸ ه.ش.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی فرزند عمادالدوله ابوالخیر و نواده موفق‌الدوله همدانی است. جد او موفق‌الدین با خواجه نصیرالدین طوسی در قلاع ملاحده قهستان به سر می‌برد و پس از تسلیم آن قلاع، او نیز به خدمت مغول پیوست. (بروشکی، ۱۳۶۵ و آشتیانی، ۱۳۴۷، ۴۸۸) این سیاستمدار دانشمند و طبیب گرانقدر آخر قرن هفتم به سال ۶۴۸ هجری قمری در همدان به دنیا آمد. خانواده موفق‌الدوله به شغل طبابت و کارهای دیوانی می‌پرداخته. رشیدالدین، علم طب را نزد خانواده خویش در همدان آموخت (مینوی، ۱۳۵۰، ۴۷). نخستین بار به عنوان طبیب به دربار آقاخان پیوست و به سال ۶۹۷ هجری به وزارت غازان خان رسید (بروشکی، ۱۳۶۵، ص ۲۲) و نهایتاً در هفدهم جمادی‌الاول سال ۷۱۸ هجری با توطئه تاج‌الدین علیشاه به اتهام قتل الجایتو پادشاه مغول به قتل رسید (بروشکی، ۱۳۶۵، ۲۶) و (مستوفی، ۱۳۳۹، ۶۱۳). از آنجا که بسیاری از ایده‌آل‌های خواجه رشیدالدین در این شهرک متجلی گردیده است، لذا به بررسی مختصر این شهرک به‌عنوان یک شهر آرمانی از دید خواجه رشیدالدین می‌پردازیم:

### ربع رشیدی

هدف خواجه رشیدالدین فضل‌الله از تأسیس ربع رشیدی این بود که مکانی ایجاد نماید که در آن مجمعی از علما و دانشمندان را مستقر کند تا هم باعث توسعه علوم گردد و هم خود فیضی از صحبت ایشان نصیبش شود (بروشکی، ۱۳۶۵، ۶۲-۶۱). در فرهنگ معین "ربع" به معنی محله می‌باشد اما در نامه‌ای که خواجه رشیدالدین خطاب به فرزندان می‌نویسد، صحبت از وجود ۳۰۰۰۰ خانه شده که بیانگر این است که ربع رشیدی شهرکی بسیار بزرگ بوده است که از آن به عنوان اولین و بزرگ‌ترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام یاد شده است.

موقعیت مکانی ربع رشیدی در قسمت شمالی شهر تبریز در دامنه و لیانکوه در تپه‌های عین علی می‌باشد، که اکنون به نام محله ششکلان و باغمشیه در طرف چپ دامنه کوه سرخاب (شمال شرقی تبریز) قرار دارد. هیچ یک از قسمت‌های ربع رشیدی در زمان حال قابل تشخیص نیست و آنچه از همه بیشتر آشکار است، پایه برج‌ها و خط دیوار استحکامات آن است که بر روی بزرگ‌ترین تپه‌های آن ناحیه قرار دارد. بقیه قسمت‌های ربع رشیدی امروز تبدیل به اماکن مسکونی و سایر تأسیسات شهری شده است (بروشکی، ۱۳۶۵، ۶۷). در رابطه با ربع رشیدی نادر میرزا چنین می‌نویسد: بدان‌سان همی به تبریز بودم اثری بسیاری از آن به جای بود "در سغمن جبل سرخاب، همه از آجر و گچ. بومیان تبریز این‌جا را رشیدیه گفتندی... اکنون هیچ از آن به جای نماده این بنا به شمال تبریز به جای است (نادر میرزا، ۱۳۰۲ ه.ق، ۱۹۱). دلایل ایجاد ربع رشیدی در نزدیکی تبریز:

محل میدان نقش جهان در دوره تیموری (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۶۳).

- **گسترش ساختار بازار:** تقریباً در تمامی شهرهای مورد بررسی توسعه بازار در این دوره را می‌توان دید، توسعه بازار در سمرقند زمان تیمور (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۲۷۶ و ۲۷۷) و بازار شیراز در زمان اتابک سعد (وصاف‌الحضرة، ۱۳۴۶) نمونه‌ای از این نوع گسترش‌هاست.

به گفته ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴، ۸۹) بانیان بناهای و مجموعه‌های شهری در دوره ایلخانان، تیموریان، ترکمانان چهار گروه عمده بودند:

شاه (ایلخان) و خانواده سلطنتی؛

اشراف نظامی و لشگری قبایل، و اشراف زمیندار که حکام محلی و معمولاً از این گروه‌ها بودند:

دیوانیان؛

علما و شیوخ صوفیه.

این چهار گروه، منطبق با چهار گروه زمیندارند که پطروشفسکی از آن نام می‌برد. این چهار گروه عبارت بودند از: "۱) اشرافیت نظامی قبایل صحراگرد (شاه و خانواده سلطنتی از این گروه بودند)؛ ۲) اشرافیت ولایتی محلی و یکجانشین که از طریق خدمت با حکومت مرکزی ارتباط و پیوستگی داشتند؛ ۳) خادمان کشوری (دیوانیان)؛ ۴) طبقه منفصل روحانیان مسلمان و نیز بعضی شیوخ صوفیه. این گروه‌های زمیندار که بر سر به دست گرفتن اداره کشور با یکدیگر مبارزه می‌کردند. نماینده دو جریان سیاسی نظیر و برابر در اجتماع ایران بودند (پطروشفسکی، ۱۳۷۵، ۴۸۷). از گروه اول در دوره مغول و تیموری بسیاری از زنان، درباری بودند مانند گوهر شاد (مشهد و هرات)، ملک خاتون (یزد). از امیران نظامی امیر جلال‌الدین فیروز شاه (هرات) و امیر چخماق (یزد)، از دیوانیان خواجه رشید الدین (تبریز)، خواجه رکن‌الدین (یزد)، امیر علی شیر نوایی (هرات و مشهد) و پیر احمد خوافی (خرگرد و تایباد)، ابوالمعالی (یزد)، از علما و شیوخ صوفیه، تقی‌الدین دادا (یزد) و خواجه احرار سمرقندی (سمرقند) را می‌توان نام برد. بانی مساجد جامع، مدارس مهم، مقابر سلطنتی و بازارهای پایتخت و یا شهرهای بزرگ را گروه اول، و بانیان مدارس و ارسن‌های مذهبی و خدماتی را گروه‌های بعدی تشکیل می‌دادند.

در اینجا با توجه به وجود مستندات مکتوب در رابطه با ربع رشیدی به عنوان نمونه‌ای شاخص از شهرسازی ۲ این دوره تمرکز مقاله برای مجموعه ادامه خواهد یافت.

همانطور که اشاره شد خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی دانشمند و سیاستمدار برجسته ایرانی قرن هفتم هجری (۷۱۸-۶۴۸) و وزیر غازان‌خان در شمال شهر تبریز شهرکی را بنیان گذاشت که بیشتر جنبه علمی و آموزشی داشت. این شهرک را ربع رشیدی نامیدند. لذا ابتدا مختصری در باب خود خواجه رشیدالدین بنیانگذار ربع رشیدی می‌پردازیم:



(استادیاران) و طلاب (دانشجویان) و غیره را دقیقاً تعیین کرده است. بطور خلاصه این مجتمع را می توان به سه قسمت اساسی به شرح زیر تقسیم کرد.

۱- ربع رشیدی، ۲- شهرستان رشیدی، ۳- ربض رشیدی (بروشکی، ۱۳۶۵، ۷۸-۷۱ و ۱۳۳).

## ربع رشیدی

این قسمت اصلی ترین قسمت بوده که دیگر تأسیسات گرد محور آن و به خاطر آن احداث شده بود. ربع رشیدی به جز گنبد، که محل مدفن خود خواجه رشیدالدین فضل الله قرار داده شده بود، به چهار قسمت تقسیم گردیده که عبارتند از: روضه، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفاء.

### ۱- روضه

حوض آبی در میان آن بود و شامل دو مسجد بوده است. مسجد صیفی (تابستانی) که نماز جمعه و عیدین (فطر و قربان) در آنجا برپا می گردید و در تابستان درس های علوم هم در آنجا برگزار می شد. و دیگری مسجد شتوی (زمستانی) که زمستان ها در آنجا نماز گزارده می شد و درس های علوم و تفسیر و حدیث و غیره هم در آنجا ارائه می گردید. دفترکار متولی، مشرف و ناظر (سه مقام ارشد یا هیئت مدیره ربع رشیدی) در قسمت های مختلف ربع رشیدی به ترتیبی تعیین شده که این سه شخصیت بتوانند بر قسمت های گوناگون آن کنترل و نظارت مستقیم داشته باشند. قسمت های دیگر روضه شامل: حجره ها و یا اطاق های ویژه سکونت مدرسان، معبدان، طلاب علوم و تأسیسات رفاهی، مانند حمام، حوضخانه، سقابه (آب آشامیدنی) و محل کتابخانه نیز در زیر همان گنبد بزرگ و در کنار آرامگاه خود خواجه رشیدالدین تعیین گردیده بود.

### ۲- خانقاه

شامل مواضع سکونت شیخ و صوفی ها با تمام امکانات رفاهی.

### ۳- دارالضیافه (مهمانسرا)

بعد از روضه مهمترین قسمت ربع رشیدی است و برای پذیرایی کارکنان ربع رشیدی بوده و مسافران و مهمانان، احداث شده بود.

### ۴- دارالشفاء (بیمارستان و دانشکده پزشکی)

یک واحد مجزا و مجهز در ربع رشیدی بوده است و در حکم یک دانشکده پزشکی بود، زیرا در آنجا هر پزشکی علاوه بر مداوای بیماران، پنج تا ده دانشجو را تعلیم علم طب می داد. نمودار ۱ تقسیمات کلی کاربری و تفکیک عرصه ها در هسته اصلی ربع رشیدی را نمایش می دهد.

- ایجاد شهرکی در خارج هسته اصلی شهر تبریز بعد از زلزله سال ۶۷۱ هجری قمری برای تقویت هویت اجتماعی و اقتصادی تبریز.

- ایجاد مجتمع عظیم علمی آموزشی وقفی که با توجه به سقوط بغداد و پایتختی تبریز فراخور موقعیت اجتماعی روزگار خود باشد.

- رقابت شدید وزرای قدرتمند ایلخانی در زمینه امور شهرسازی.

- آمایش منطقه ای دره تبریز با احداث شنب غازان در غرب و ربع رشیدی در شرق و هدایت توسعه تبریز به سمت مناطق خوش آب و هوای شرق شهر و آبرسانی به اراضی بایر شرقی و توسعه کشاورزی در آنها.

- بالا بردن توان دفاعی تبریز با ایجاد شهرکهای جدید همیار و نه رقیب برای تبریز.

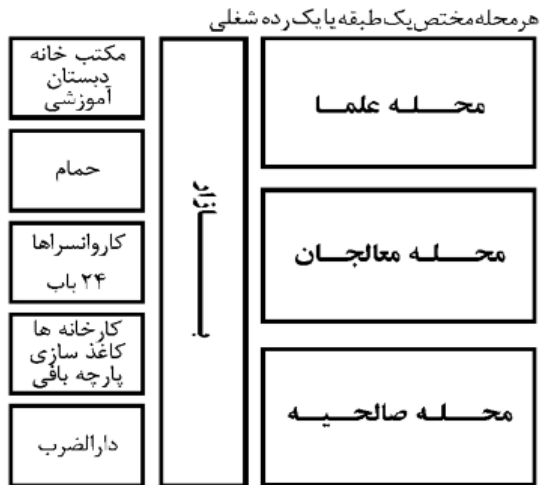
- ایجاد شهری که بتواند به موازات بازار تبریز بار مرادده های تبریز را به دوش کشد.

در رابطه با مورد اول مسأله زلزله می توان عنوان نمود، بعد از زلزله اکثر خانه های مسکونی ویران شد و بازار نیز دستخوش خرابی های بسیار گردید. با توجه به رونق شهر و پایتخت شدن آن و عبور جاده ابریشم لازم بود سریعاً شهر سرو سامان یابد که با توجه به فناوری آن زمان این امر سال ها به طول می انجامید. همین طور با روی کار آمدن سلطان محمد خدابنده و علاقه وی به تغییر پایتخت از تبریز به سلطانیه این نگرانی ایجاد شد که سلطانیه تبریز را از رونق بیاندازد. با این وصف با بینش بسیار بالای خواجه با احداث این شهرک که طبق اسناد مکتوب ۲۴ کاروانسرا داشته است (دارا بودن این تعداد کاروانسرا مستلزم وجود بازاری بزرگ و فراخور آن می باشد و با این اوصاف می توان به عظمت رونق بازرگانی در ربع رشیدی پی برد) مشکلات مذکور به خوبی سامان داده شد.

همچنان که از مفاد نامه ها به خوبی معلوم است، ربع رشیدی به اصطلاح امروز یک شهر علمی و دانشگاهی بوده و بزرگ ترین علمای عصر از کشورهای شرق در آن گرد آمده بودند کتابخانه عظیمی داشت، کشف خیلی از گیاه ها در باغ های نمونه آن مورد آزمایش قرار می گرفت و در موارد علمی مختلف بحث می شده است (نادر میرزا، ۱۳۰۲ ه.ق، ۵۶۰).

## ویژگی های ربع رشیدی

تأسیسات ربع رشیدی چنان دقیق در وقفنامه بیان شده که امروزه می توان از روی همان توضیحات نقشه آن را پیاده کرد. محل احداث گنبد بزرگ، محل سکونت سه مقام ارشد ربع رشیدی، محل مساجد دوگانه و مدارس و محل کتابخانه های دوگانه، دارالشفاء، خانقاه، محل سکونت مدرسان و معبدان

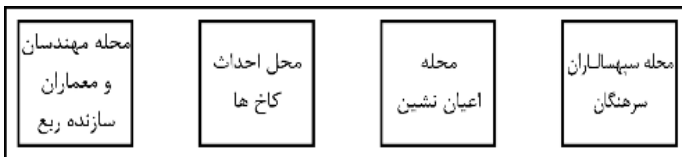


نمودار ۲- شهرستان رشیدی و عرصه‌های مربوط به آن را نمایش می‌دهد. (ماخذ: نگارنده)

و هر محله‌ای اختصاص به یک طبقه و یا اختصاص به یک رده شغلی داشته است. یکی از معروف ترین محلات شهرستان رشیدی، محله صالحیه بوده است.

### ربض رشیدی

این قسمت در حقیقت محله اعیان نشین و محل احداث کاخهای مخصوص ربض رشیدی بوده است که در آن خانواده رشیدالدین با غلامان خاص و مسئولان امنیتی یا به قول رشیدالدین "سپهسالاران و سرهنگان" ساکن بوده‌اند و نیز مهندسان و معماران مخصوصی که در ساختمان تأسیسات ربض رشیدی نظارت داشته‌اند، در این مکان سکونت داشتند.



نمودار ۳- تفکیک عرصه‌ها در ربض رشیدی. (ماخذ: نگارنده)



نمودار ۱- ربض رشیدی واجد ۴ عرصه متمایز بوده که گنبدخانه مدفن خواجه رشیدالدین در واقع حلقه واسط و نقطع عطف و اتصال این عرصه‌های متمایز ("مذهبی"، "آموزشی"، "درمانی"، "پذیرایی، اقامتی، خدماتی" و "تجهیزات" وابسته به هر کدام) با هم بوده است. (ماخذ: نگارنده)

به عبارتی می‌توان به نحوی عنوان کرد ساختار اصلی شهر بر پایه محل گنبدخانه که مقبره و مدفن خواجه بوده است و به عنوان نقطه ای کانونی تأثیر بسیار اساسی بر شکل‌گیری ساختاری کالبدی و استخوان بندی اصلی شهر داشته است.

### شهرستان رشیدی

مجتمع بسیار بزرگ ساختمانی و متشکل از محله‌های گوناگون، خیابان‌ها و کوچه‌ها و مکان‌های رفاهی و اقتصادی مثل حمام‌ها و کاروانسراها (۲۴ باب) و کارخانه‌های کاغذسازی، پارچه‌بافی، دارالضرب، بازار و غیره بوده است. این قسمت نیز مانند سایر قسمت‌های ربض رشیدی از روی نقشه پیش‌بینی شده تأسیس یافته،

### نتیجه

- نکته حائز اهمیت دیگر آنکه سنت دینی وقف در دوره ایلخانی به یک نهاد شهری تبدیل می‌شود و با عنوان نهادی مردمی با کارکرد اجتماعی پا به عرصه مدیریت شهری می‌گذارد که هم در ایجاد فضاهای شهری و هم در تداوم و مدیریت آنها نقش مهمی ایفا می‌نماید.
- هسته اصلی مرکب از گنبد بزرگ، مساجد و ملحقات وابسته به آنها، خانقاه، دارالشفای و دارالضیافه بوده است، به عبارتی ملاحظه می‌گردد فضای مذهبی نطفه اصلی شهر را تشکیل

- همانطور که متون موجود مورد بررسی در رابطه با ربض رشیدی نمایش می‌دهد این شهرک واجد ساختاری طراحی شده و عرصه‌هایی برنامه‌ریزی شده بوده که شامل هسته و ساختاری اصلی بوده که در قالب ربض رشیدی مطرح شد.
- ساختار اصلی شهر بر پایه محل گنبدخانه که مقبره و مدفن خواجه می‌باشد شکل گرفته است. مقبره به عنوان نقطه ای کانونی تأثیر بسیار اساسی بر شکل‌گیری ساختار کالبدی و استخوان بندی اصلی عرصه‌های شهری داشته است.

است. تعداد کاروانسراها حکایت از اقتصادی فعال و شکوفا دارد. وجود مراکز آموزشی، بهداشتی و تحقیقاتی نشان دهنده آن است که این شهرک در واقع قطب علمی، فن آوری، پژوهشی زمان خود بوده است.

قدر مسلم آنچه مستندات مربوط به وقفنامه ربع رشیدی نشان می‌دهد حکایت از اهمیت بسیار بالای فضای شهری و عرصه‌های عمومی در سازمان فضایی شهر دارد که کاربری‌های مذهبی، آموزشی، فرهنگی و خدماتی نظیر دانشکده، بیمارستان حتی دارالیتام و دارالضیافه وجود تسهیلات و تأسیسات شهری مورد نیاز جمعیت محدود ساکن در شهر را به راحتی و با میزانی بسیار بالاتر از سرانه‌های امروزی شهرسازی تأمین می‌نموده است. در انتها در دو جدول ۱ و ۲ در رابطه با عرصه‌های شهری ربع رشیدی مواردی چون کارکرد، ویژگی کالبدی، جایگاه عرصه مورد بحث در شهر و تأثیر آن بر سازمان فضایی مجموعه تلیخیص و استنتاج گردیده است.

داده و به واسطه اهمیت خدمات مورد نیاز مردم مدرسه، دارالشفاء، دارالضیافه همگی با هم به صورت یک مجموعه چند عملکردی و استراتژیک در شهر عمل می‌کرده است.

- نکته شایان توجه دیگر همگونی اجتماعی، فرهنگی در تأسیس شهرک است که علیرغم محله‌بندی‌های متمایز و قرارگیری هر صنف، رده و تخصص در عرصه و قلمرو مربوط به خود در مجموع شهرکی خاص رده‌های فرهیخته جامعه، تحصیل کردگان و نخبگان مدنظر سازندگان آن بوده که اسامی انتخابی برای محلات خود مصداقی گویا در تأیید این امر می‌باشد.
- جدای از اشتراکات ساختاری با شهر سنتی ایرانی (خصوصاً در بخش شهرستان رشیدی)؛ مبنی بر محوریت بازار و عناصر و عملکردهای وابسته به آن تفکیک محلات به خوبی نمایانگر اولویت همگونی فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، تخصصی و شان و منزلت شهری در تفکیک محلات شهری

جدول ۲- جمع‌بندی عرصه‌های عمومی در شهر.

عرصه عمومی	کارکرد	ویژگی، (کالبدی)	جایگاه در شهر	تأثیر بر سازمان فضایی
گنبدخانه	مدفن، خواجه رشیدالدین، فضل‌الله	عنصر اصلی، نمادین، شهر که به صورت لوای، ۴ نقش، اصلی، ربع رشیدی را حول محور خود سازمان داده است.	مهمترین قسمت عرصه عمومی، شهر	نطفه اصلی، شکل دهنده و بسط سازمان فضایی، به صورت سلول، زنده و رشد و بسط یابنده
	محوریت کالبدی، بصری، محتوایی، وجود نم، نقشه شهر در حضور خواجه		شکل دهنده فضای عمومی، شهری شاخص، بیانگر عرصه عمومی، شهری	کانون اصلی، ساختار کالبدی شهر
	واجد دو مسجد تابستانه و زمستانه، عملکرد مذهبی، فرهنگ، همراه کلیه خدمات وابسته دفتر کار سه مقام ارشد ربع رشیدی	موثر در خوانایی، شهر و تشخیص عرصه‌ها	نشانه‌ای شهری که در همراه، گنبدخانه بخش، اصلی، شهر را معرفی می‌نماید. تعریف نقطه ثقل کالبدی فرهنگی، اداری، سیاسی، اجتماعی، شهر	ایجاد میدان اصلی، در شهر و فضای اصلی، شهری تعریف مرکز شهر موثر در استقرار مدرسه علمیه مربوطه
	سکونت شیخها و صوفی‌ها همراه با کلیه امکانات رفاهی	ترکیبات فضاهای ساخته شده و سبز و باز بخش، ویژه و مجزایی، برای سکونت و عبادت فراهم آورده است.	یک، از ۴ عرصه مهم در شکل دادن به هسته اصلی، شهر	در همراهی، با سایر عرصه‌هایی که اشاره شد فضای اصلی، و عمومی، شهر را حول محور گنبدخانه شکل داده است.
دارالشفاء و دارالضیافه	دانشکده پزشکی، بیمارستان و تجهیزات وابسته محل پذیرایی، کارکنان، مسافران و مهمانان	اختصاص، سطحی، بسیار وسیع از شهر به این کاربری اساسی، آموزشی، درمانی، فرهنگی و خدماتی	از عرصه‌های مهم در شکل دادن به هسته اصلی، شهر	تشکیل مجموعه فضایی، ویژه‌ای که چه به لحاظ کالبدی - بصری و چه به لحاظ عملکردی نطفه اصلی، بسط یابنده سازمان فضایی، شهر را سازمان داده است.

(ماخذ: نگارنده)



جدول ۱- جمع‌بندی عرصه‌های خصوصی و نیمه عمومی در ربع رشیدی.

عرصه خصوصی یا نیمه عمومی	کارکرد	ویژگی (کالبدی)	جایگاه در شهر	تأثیر بر سازمان فضایی
خانه	دربرگیرنده خانواده‌ها به عنوان کوچکترین واحد اقتصادی، اجتماعی سیاسی آن جامعه شهری خانه بسته به حرفه و تخصص سرپرست خانواده در محله خاص همان لایه اجتماعی واقع بوده است.	درون‌گرا، متمرکز، وحدت‌گرا متشکل از عناصر و عرصه‌های مختلف با سلسله مراتب خاص فضایی از عمومی تا کاملاً خصوصی با تفکیک عرصه‌ها شامل: سردر، هشتی، دالان، حیاط، حوض، ایوان، اتاق، تالار، شاه‌نشین، فضاهای خدماتی و جنبی، زیرزمین، سرداب، حوضخانه، آب‌انبار و غیره.	کوچکترین سلول تشکیل دهنده کالبد شهر به تفکیک تخصص و قرارگیری سرپرست خانواده در لایه اجتماعی، قرارگیری خانه نیز در محلات مربوطه صورت می‌گرفته است.	بیشترین سطح از سطوح شهری موثر در جهت‌گیری اصلی شهر تشکیل هسته‌های شهری در قالب محلات تأثیر بر سلسله مراتب فضایی و شکل‌گیری عرصه‌ها تأثیر بر سلسله مراتب شبکه با ایجاد بن‌بست‌ها بسته به تعداد متخصصین و صاحب حرفه‌های مربوطه اندازه محلات به تبع تعداد خانوارهای آن حرفه متفاوت می‌شد.
محله	دربرگیرنده گروه‌های اجتماعی همگون و تشکیل دهنده بخش اعظم شهر و واجد مرکز محله‌ای که خدمات خاص محله را ارائه می‌کرده است. عرصه‌ها کاملاً تفکیک شده، قلمروهای فرهنگی- اجتماعی تعریف شده همخوانی نام محله با لایه اجتماعی ساکن در آن ساکنین محلات عمدتاً تخبگان و فرهیختگان جامعه بوده‌اند (شهرکی- علمی، فرهنگی)	تعریف شده واجد حدود و هویت تقسیم شده در ۳ محله اصلی علما معالجان صالحیه که به نظر می‌رسد بر مبنای تخصص و شأن اجتماعی این تقسیم‌بندی صورت گرفته باشد. متشکل از خانه‌ها و بن‌بست و گذر، مرکز محله با خدمات خاص مورد نیاز محله نظیر آب‌انبار، تکیه، حسینیه، آسیاب، حمام و غیره	• کوچکترین عرصه عمومی • قلمرویی نیمه خصوصی، نیمه عمومی که بخش‌های عمومی شهر را به حریم خصوصی خانه متصل می‌کند. ▪ سازمان فضایی حول محور اصلی ربع رشیدی که شامل روضه، خانقاه، دارالضیافه، دارالشفاء و گنبدخانه بوده است. ▪ ساکنین شهر حول محور وجودی عملکردی شهر سکنا گزیده‌اند.	تفکیک عرصه‌ها در تعیین حریم خانواده‌ها بیشترین سطح از جهت‌گیری اصلی شهر تأثیر بر سلسله مراتب فضایی و کالبدی در جهت‌گیری به سمت گنبدخانه که چون قطب نقطه کانونی فضایی شهر را تعریف می‌نموده

(ماخذ: نگارنده)

## پی‌نوشت‌ها:

Main Core ۱

۲ در کتاب از شار تا شهر (حبیبی، ۱۳۷۵) در رابطه با ربع رشیدی به عنوان اولین نمونه شهرسازی دوران مغول اشاره شده است.

## فهرست منابع:

- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، سفرنامه ابن بطوطه، چاپ سوم، ترجمه محمد علی موحد؛ مرکز انتشارات علمی فرهنگی، تهران.  
 آشتیانی، عباس اقبال (۱۳۴۷)، تاریخ مغول، چاپ سوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.  
 پطروشفسکی، آ.ب (۱۳۸۵)، اوضاع اجتماعی- اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، در تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، پژوهش دانشگاه کیمبریج، جلد پنجم، چاپ ششم، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۴۵۵-۵۰۸.

- بروشکی، محمد مهدی (۱۳۶۵)، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.  
 رجب زاده، هاشم (۱۳۵۵)، آئین کشورداری در عهد رشید الدین فضل اله همدانی، توس.  
 جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۴۳)، تاریخ یزد، تصحیح ایرج افشار، بی جا، تهران.  
 جنیدی، فریدون (۱۳۶۶)، نیشابور، در شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص ۳۸۲-۳۶۲.  
 حبیب، فرح (۱۳۷۹)، بررسی ایده آرمانشهر و نقش آن در تکوین دانش شهرسازی، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.  
 حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، از نثار تا شهر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.  
 حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی سردرود، احد (۱۳۸۵)، بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراچی، هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۳۵-۴۴.  
 خوانساری، مهدی و دیگران (۱۳۸۲)، باغ ایرانی، بازتابی از بهشت، ترجمه مهندسین مشاور آرآن، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، دبیرخانه همایش بین المللی باغ ایرانی، تهران.  
 سلطان زاده، حسین (۱۳۷۶)، تبریز، خشتی استوار در معماری ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.  
 شکاری نیری، جواد (۱۳۸۴)، یافته هایی از طرح شنب غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی به نام باب البر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۷۳-۸۰.  
 عینی فر، علیرضا و میرزا کوچک خوشنویس، احمد (۱۳۸۱)، باز آفرینی تصویری شهر از متون تاریخی نیشابور غازانخانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۷۷-۸۸.  
 فروتن، منوچهر (۱۳۸۸)، تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی؛ هویت شهر، شماره ۴، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸.  
 کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، به اهتمام ایرج افشار، امیر کبیر، تهران.  
 کلاویخو، روی گونسالس د (۱۳۸۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ پنجم (چاپ نخست ۱۳۷۷)، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.  
 کونثو، پائولو (۱۳۸۴)، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران.  
 محمد مرادی، اصغر (۱۳۷۸)، کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان با استناد به شواهد مکتوب و آثار معماری و شهرسازی، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، (ج ۴)، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.  
 مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹)، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران.  
 مستوفی باقی، محمد مفید بن محمود (۱۳۸۵)، جامع مفیدی، (جلد اول و دوم)، به اهتمام ایرج افشار، اساطیر، تهران.  
 مینوی، مجتبی و ایرج افشار (۱۳۵۰)، وقفنامه ربع رشیدی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.  
 نادر میرزا (بی تا)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، تبریز.  
 و صاف الحضره (۱۳۴۶)، تحریر تاریخ و صاف، به تصحیح عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.  
 ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.